

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۱۵

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شنبه اول دی ماه ۱۳۱۳ - ۱۴ رمضان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۲۵۹

قیمت اشتراك } سالانه } داخله : ۷۵ ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال }
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس شبیه اول دی ماه ۱۳۱۳ (۱۴ رمضان ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۱) شور اول عهدنامه بین ایران و دانمارک |
| ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | ۲) شور اول لایحه الحاق ایران بقرارداد جاوگیری از انجمن نسوان |
| ۳) شور و تصویب لایحه (۹۵۰) هزار ریال اعتبار | ۳) شور اول لایحه الحاق ایران بقرارداد قیلم های تریبی |
| ۴) شور ثانی لایحه تجدید نظر در قانون اوقاف | ۴) تقدیم عهدنامه موت و قرارداد اقامت بین ایران و سوئیس از طرف آقای وزیر امور خارجه |
| ۵) تقدیم عهدنامه موت و قرارداد اقامت بین ایران و سوئیس از طرف آقای وزیر امور خارجه | ۵) تقدیم عهدنامه موت و قرارداد اقامت بین ایران و سوئیس از طرف آقای وزیر امور خارجه |
| | ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس هشت ساعت و نیم بعد از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس شبیه ۲۴ آذرماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر) صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر مالیه.
- ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- وزیر مالیه - بنده دو لایحه دارم که یکی از آن چون خواهد رفت بکمیسیون فقط تقدیم میکنم که وقتی رفت بکمیسیون
- ۳ - شور و تصویب لایحه ۹۵۰ هزار ریال اعتبار
- رئیس - لایحه که تقاضای فوریت شده است قرائت میشود:

عین مذاکرات مشروح یکصد و پانزدهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۱۳)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

- غائبین می اجازه - آقایان: امیر ابراهیمی - اعظم زنگنه - استقبالی - اداسی خونی - دکتر ادم - وکیل - یونس آقا وهاب زاده کورس - مدنی - هدایت - پرور سرتیپ -
- دیر آمدگان می اجازه - آقایان: میرزا حسن علوی سبزواری - امیدی - لیفوانی - بیات - مسعود ثابتی - طهرانی - نیکپور - ارکانی منصف - شریعت زاده - قراقرز - همراز - مسعودی خراسانی - دکتر سببی - دکتر شیخ

ساعت محترم مجلس شورای ملی
نظر باینکه بعضی مخارج غیر مترقبه برای دولت
پیش آمده که اعتبارات موجوده برای تأمین آن کافی
نیست ماده واحده ذیل را تقدیم و تصویب آنرا مستناید

ماده واحده - مجلس شورای ملی دوقره اعتبار
اضافی بمبلغ ۹۵۰۰۰۰۰ ریال بشرح ذیل تصویب مینماید
که از محل صرفه جوئی های بودجه ۱۳۱۳ مملکتی
با اعتبارات موجوده علاوه گردد .

۱- براعتبار مندرج درجزء ۱۱ قسمت
۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۵۵۰۰۰۰۰ ریال

۲- براعتبار مندرج درجزء ۲ قسمت
۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۴۰۰۰۰۰۰ ریال
جمع ۹۵۰۰۰۰۰ ریال

رئیس - فوریت مطرح است (مخالفی نیست)
آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده واحده مطرح است
مذاکره درفراکسیون شده است . کافی است ؟
(نمایندگان - بلی بلی) آقایانیکه با ماده واحده
موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد .

(اخذ آراء بعمل آمده ۸۹ ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۱۹۸ اکثریت
۸۹ رأی تصویب شد .

۳- شورای ملی لایحه تجدید نظر در قانون اوقاف |
رئیس - خبر کمیسیون معارف راجع به موقوفات

شور دوم قرائت میشود .
خبر کمیسیون :

کمیسیون معارف در جلسه ۱۸ آذرماه ۱۳۱۳ لایحه
نمره ۳۹۰۳۵ دولت راجع باوقاف را برای شورائی
با در نظر گرفتن پیشنهاد های آقایان نمایندگان محترم
با حضور آقای کفیل وزارت معارف مورد شور فرار داده
وبالآخره مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آنرا برای
تصویب مجلس مقدس تقدیم مینماید .

ماده اول - اداره کردن موقوفاتیکه متولی ندارد
با مجهول التولیه است باوزارت معارف و اوقاف است
و در صورتیکه متصدی داشته باشد ممکن است وزارت
مزبور در دست او ابقاء نماید .

تبصره - مقصود از مجهول التولیه آن است که
متولی شخص معین یا اشخاص معین و یا بر حسب اوصاف
که بالاخره منطبق با شخص معینی میشود معلوم نباشد .

رئیس - آقای عراقی در کلمات آخر حرفی دارند ؟
عراقی - در ماده اول عراضم را میکنم . بنده

میتوانستم در شور اول لایحه يك تذکرائی را به آقای
کفیل عرض کنم فرصت نشد و با این قانون هم
مخالف نیستم و کمال موافقت را هم دارم و بسیار لایحه
خوبی هم هست و آن آمال و آرزوهائی که سابق بوده
است حالا بنی و بین افاقه دارد عملی میشود این است که
بنده يك تذکرائی را فقط میخواهم به آقای کفیل
عرض کنم والبته شاید در توضیحاتی که ایشان میفرمایند
بنده قانع شوم یکیش راجع بمجهول التولیه است در
ماده اول میگویند اداره کردن موقوفاتیکه متولی ندارد

۱۸ آذرماه ۱۳۱۳ لایحه
نمره ۳۹۰۳۵ دولت راجع باوقاف را برای شورائی
با در نظر گرفتن پیشنهاد های آقایان نمایندگان محترم
با حضور آقای کفیل وزارت معارف مورد شور فرار داده
وبالآخره مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آنرا برای
تصویب مجلس مقدس تقدیم مینماید .

- اسامی رأی دهندگان - آقایان : حاج غلامحسین ملک - فروغی - سید محمد تقی طباطبائی - تربیت - کفائی - مرانی
دوانی - حسنعلی میرزا دولتخواه - ماهرانی - دکتر طهری - مجد طباطبائی - ملک مدنی - مقدم - جرجانی - دهستانی - احتشامزاده
لیقوانی - هزار جریبی - کمال - ایزدی - قنای - دکتر سنگ - بختیار - دکتر امیر اعلم - دکتر بیبی - محمودی خراسانی
شرقی - محمود قاضی - دکتر احتشام - محسن خان فراگزاد - دادور - سید کاظم زردی - انور - هدایت - امیر نیبور - افندی
میرزا موسی خان مرآت - دیر سهرابی - انبال - نازمی - دیستانی - آقا رضا مهدوی - نواب زردی - دکتر ملکراده - صفاری
پارسا - کارروزیان - بنکدار - اسکندی - حاج محمد رضا بهبانی - قاضی - شیرازی - کاشف - غواجوی - حبیبی - قنوجی
ملکراده - لاریجانی - دکتر لندانی - سهرابخان ساکینان - معتمد سنگ - شاهرودی - دکتر شیخ - بیات - ناصری - ماری سبزواری
مؤید احمدی - محسن آقا مهدوی - هراز - بیات ماکو - دکتر شهاب - جزه ناس - میرزا علی خان وکیلی - طباطبائی دیا - فرش
روسی - حبیبی - اعتبار - حاج تقی آقا و هارزاده - میرزا یاس - ضامن خان - دکتر بهرامی - بنامی - مصطفی - طهرانی
و هری - حیدری

یا مجهول التولیه است با وزارت معارف و اوقاف است
و مقصود از مجهول التولیه آنست که باشخاص یا شخصی
معینی تطبیق نشود عرض میکنم ممکن است صفائی
برای اشخاصی که متولی باید باشند در وقتنامه نوشته
شده باشد ولی به دو قر با سه متر تطبیق کند آنوقت
در اینجهام ممکن است گفته شود که خیر مجهول التولیه
است گرچه البته وزارت معارف و اوقاف این نظر را
ندارد ولی ممکن است که مجهول التولیه شود چون
دونا هستند و آنجا قید دوقره دارد پس مجهول التولیه است
خوبست آقای کفیل توضیح فرمایند که این مجهول التولیه
یکفدری واضح تر باشد و یکی دیگر راجع بموقوفات
خاصه است در قسمت موقوفات خاصه ماده چهار دولت
مینویسد که وزارت معارف در موقوفات خاصه مداخله
ندارد این لایحه دولت بوده است ولیکن در خبری که
در شور ثانی از کمیسیون آمده مینویسد که وزارت
معارف و اوقاف در موقوفات خاصه باستعمال ماده ۷
مداخله ندارد و در ماده ۷ چند مورد در یکی مسئله پیش
است (فروشش) یکی تبدیل وقف است که مطابق
ماده ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی جایز است البته باید با اطلاع
وزارت معارف و اوقاف باشد و یکی هم نوشته است اجازه
که پیش از پنجمال باشد موقوفات خاصه چندین شکل
دارد بنده حالا عرض میکنم یکم موقوفات خاصه است
که فرض میکنیم يك کسی برای اینکه اولادهای او
زنه های او املاکشان را قروند و قبر و پریشان
نشوند میباید املاکشان را وقف بر اولادشان می کنند
این مسلم است که وضو ترین افراد موقوفات است این
یکجور هست که وقف میکند بر اولادش ولی شرط
میکند با اولادش که در هر سال شهری اجاره روضه
خوانی میکند باسالی پنجاه عدد پوستین بگدا میدهد و
در سال بیست قر زوار بفرستد به عتبات اینهم يك جور
است که وقف خاصه است ولی شرط کرده است بر
اولادهایش که باید این کارها را بکنند و اگر
نخواهیم دقیق بشویم فی الواقع آن قسمتی که راجع بروضه
است یا راجع به پوستین دادن بقراست با راجع به زوار
فرستادن بنیات است و با راجع بمکتب و مدرسه فرستادن
ایام است هر چه باشد حالت وقف عم را پیدا میکند

در همین موقوفات خاصه ولی وقف عام نیست چجهت
اینکه ملك وقف بر اولادش است شرط کرده است
با اولادش که باید اینکار را بکنی پس نمیتوانیم
بگوئیم که وقف عام است پس این جا نمیشود گفت
که وزارت معارف و اوقاف در کلیه موقوفات عامه نظر
دارد و يك حتی میرد ممکن است حالا قانون کش
داشته باشد و بشود در این جهام اینتحرف را زد حالا
در اینقسمت ها بیشتر از این بنده وارد نمیشوم و امیدوارم
که خود آقای کفیل توضیحاتی بدهند که شاید بنده هم
قانع بشوم ولی چیزی را که بنده میخواهم عرض کنم
و میدانم چرا کمیسیون این راهم داخل کرده اند و
آن موضوع پنجمال است عرض میکنم يك کسی ملکش
را بر اولادش وقف کرده است و اینها دونا برادری
چهارتا برادری و این پنج ده است و حالا میخواهند هر یکی
در يك دهی باشند حالت تقسیم است و مثل این است
که الان پدرشان مرده است و میخواهند قسمت کنند
و میخواهند سهامشان را اجازه بدهند آن برادری بگوید
من سهام را از این دهات بشما اجازه میدهم ۱۵ ساله
شما هم سهامتان را بمن میدهید بازده ساله این را حق
نداشته بدون اجازه معارف و اوقاف بکنند ؟ با اینکه
در ماده چهار همین قانون میگوید ما بموقوفات خاصه
دخالتی نداریم این یکفدری میخواهم عرض کنم متناقض
است و باهم تضاد پیدا میکند و البته وزارت معارف و اوقاف
در موقوفات خاصه مداخله نداشته باشد بهتر است شما
البته یکطورری کنید که کمتر تماس با مردم پیدا کنید
اینکه وقف نیست ملك خاص است برای اینکه اولادش
قروند آمده است و این کار را کرده است آنوقت معنی
ندارد که وزارت معارف و اوقاف بگوید شما ملک
خودتان را پیش از پنجمال حق ندارید معامله بکنید
در این قسمت بنده يك پیشنهادی هم خواهم داد که
آقای کفیل وزارت معارف همراهی فرمایند و با پیشنهاد
بنده موافقت فرمایند که بهمان حالت باقی بماند .

کفیل وزارت معارف - آقای عراقی با خود
بنده هم مذاکره فرمودند در این باب بنده خدمتشان
توضیح دادم و عرض کردم در این قسمت ماده اجازه هائی
که پیش از پنجمال است باید تصویب وزارت معارف

برسد این در واقع يك نظارتی است و این نظارت را هم که پس از این بابت لازم دانست زیرا که البته وفورات خاصه حقوق مختلف دارد آنگاه یکی دو موردش را برمییل مثال خودشان فرمودند که مسأله است نام المنغه بنا بر این برای اینکه از هر گونه حیف و مبلی جلوگیری شود در اجاره های طویل المدت که تقیم يك اجاره و يك تصویبی از وزارت معارف و اوقاف باید خواسته شود و راجع به مدتی هم در کمیسیون مذاکره شد و بالاخره آن حدنوسعی را که قابل شدن پنجمال بود و این يك نحو نظارتی است که ممکن است از هر گونه حیف و مبلی جلوگیری کنند و در این باب خیال میکنم اگر آقای عراقی هم موافقت فرمایند ضرری نخواهد داشت برای موقوفات خاصه زیرا دولت نظر سولی ندارد و اگر اجاره باشد که بفع موقوفه باشد البته موافقت میکنند ولی در قسمت مجهول التولیه این بصره که نوشته شد مخصوصاً در کمیسیون که شور میکردیم کلمه اشخاص همین اضافه شد از برای اینکه همانطور اشکالاتی را که ممکن است پیش بیاید جلوگیری کنند ممکن است دو نفر متولی داشته باشد ممکن است در بعضی موارد اتفاق افتد که يك هیئت متولی باشند البته هیئت ها هم یک شخصیت حقوقی دارند و این هیئت بخودی خود در حکم شخص خواهند بود باین جهت این کلمه یا اشخاص که ذکر شده است این معنای آنرا جلوگیری میکند و این بصره که اینجا ذکر شده است بهترین تفسیری است که برای متولی خواهد شد.

رئیس - آقای دیبا .

طایبانی دیبا - چون قانون اوقاف حقیقه یکدرجه مربوط قانون مدنی است بنده عقیده ام این است که یک ملاحظاتی مخصوصه هم باید کرد که يك چیز غلطی واقع نشود در ماده اول اینطور تصریح شده که اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد یا مجهول التولیه است بنده هر چه فکر کردم که با منم ما بموجب قانون مدنی یک موقوفاتی داشته باشیم که متولی نداشته باشد این اساساً تصور ندارد چنانچه این است که در وقت قبض شرط است یعنی کسیکه ملکی را وقف میکند باید تصرف متولی بدهد و متولی را گاهی خود آن شخص که واقف است خودش را

قرار میدهد بعد از خودش هم با اولادش یا اشخاص معینی یا اشخاصی که يك صفات معینی دارند که بعد منطبق میشود با آن و اینکه يك موقوفه هست که متولی ندارد این طرز صحیح نیست بر حسب قانون مدنی قبض شرط صحت وقف است اگر متولی نداشته باشد اساساً این وقف صحیح نیست يك کسی آمده است و يك ملکی را وقف کرده و يك وقفنامه معتبری نوشته و هیچ متولی هم معین نکرده این بر حسب قانون مدنی صحیح نیست پس اینجا ذکر اینکه وقف متولی ندارد یا مجهول التولیه است بنده هر چه فکر کردم ملتفت نشدم یعنی هر وقتی لابد منته است که يك متولی داشته باشد متنها این متولی گاهی معلوم است و گاهی مجهول است این است که بنده عقیده ام این است که این اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد این را باید حذف کرد.

وزیر عدلیه - در این قسمت که آقای دیبا راجع به قانون مدنی فرمودند اینطور نیست وقف يك امری است جعل تولیت يك امر دیگری است که منضم بوقف میشود ملازم باوقف نیست که اگر چنانچه وقف بدون تعیین تولیت شد باطل میشود پس ممکن است متولی معین نکرده باشد و قبض هم يك کسی که ولایت عامه دارد از جانب موقوف علیه قبض میکنند نه اینکه همیشه متولی قبض میکند (صحیح است)

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در يك موضوع دیگر عرضی خواهم کرد لیکن عجلاناً در جواب آقای دیبا میخواهم عرض کنم عرض میکنم همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند وقف و تعیین تولیت دو موضوع است البته خود حضرتعالی مسبقاً فرموده است کسی وقف کند مادام الحیوة خودش را هم متولی کند قبض هم بکند ولی بعدش را نویسد که متولی کیست که الان بنده نشان میدهم موقوفات شاه نعمت الله است که محمد شاه وقف کرده و خودش را متولی معین کرده است اما بعد از خودش نوشته کی و الان هم دولت معین میکند پس لازم و ملزوم نیست اما بنده عرضم چون در شور اول گفتم و جوابهایی

که به بنده داده شد و بنظر خود بنده کافی نبود پیشنهادم کردم کمیسیون هم رفت و در نظر نگرفتند و آن عرض بنده این است که وقف از دو حال خارج نیست یا معلوم التولیه است یا مجهول التولیه معلوم التولیه یا از طرف واقف مخصوصاً معین کرده است که در بد متولی است بعد از من یا فلان جماعت یا فلان هیئت نیست این وقف را ما معلوم التولیه میکنیم بعد از آن هم گذشته لیکن متولی معلوم است که از کدام فاعیل است مجهول التولیه حالا بر دو قسم شده است يك قسم هست که وقفنامه در تعیین نیست که معلوم باشد که این متولی خاصی دارد یا ندارد لیکن چون استمرار را در وقف حجت میدانیم که وقف است در دست يك اشخاصی هم هست این يك قسمت قسمت دیگر این است که اصلاً تولیت مجهول است یعنی آن فاعیل اصلاً منقرض شده اند و آمده اند به آن قاعده کلی که داشته اند روی ولایت عامه يك تولیت هائی برای آنها جعل کرده اند پس حالا میخواهیم به پیشیم این مجهول التولیه که در قانون سابق بود که آنرا باید اداره اوقاف اداره کند و در این قانون هم هست پس کدام مجهول التولیه است؟ یعنی اگر شما يك موقوفه را بخواهید همانطور وسط بیابان افتاده باشد و هیچکس درش مداخله نکند همچو چیزی پیدا نمیشود هر موقوفه يك دست رویش هست لیکن این از این دو حالت خارج نیست یا معلوم التولیه یا مجهول التولیه این لغت متصدی را ما فهمیدیم از کجا پیدا شده اگر متصدی عرضشان همین اشخاصی است که مجهول التولیه است لیکن يك شخص الان در دستش گرفته است اگر این را بخواهید بگوئید پس دیگر مجهول التولیه پیدا نمیشود که اوقف درش دخالت کند بجهت اینکه هر موقوفه دست یکی هست یا متولی یا متصدی پس مجهول التولیه کدام است که اداره اوقاف اداره اش کنند این وجود خارجی ندارد و بنده يك نظری دارم و در شور اول فرمودند که تقیم آقا ممکن است واقفاً و از معارف می بیند که این موقوفه مجهول التولیه است اما دست

يك آدمی هم هست و خوب هم عمل میکنند این را باید در نظامنامه تأمین کرد که وزارت معارف حق داشته باشد یا واگذار نماید لازم نبود در قانون وقتی که ما عوشتیم متصدی دیگر مجهول التولیه موضوع ندارد چون با معلوم التولیه است که بسیار خوب وزارت معارف و اوقاف نظارت میکنند یا مجهول التولیه است که باید اداره کند ولی وقتی که متصدی آوردیم دیگر مجهول التولیه از بین می رود این است که بنده عقیده ام این است که لفظ متصدی را ما برداریم لیکن باز عرض میکنم وزارت معارف در وقت اداره کردن می بیند که يك شخص متصدی است و خوب کار میکند همان شخص را واگذار کند منع قانونی که ندارد در نظامنامه هم که نوشته اند که وزارت معارف حق ندارد برای اجرا برای اعمال نظر چیزی بنویسد عرض میکنم نظامنامه بنویسد و آن را اجرا کنید و در همانجا واگذار کنید همان شخص و این اشکالی ندارد لیکن در اینجا نوشتن مجهول التولیه با متصدی تضاد دارد این يك عرض بنده عرض دیگری که میخواستم عرض بکنم يك تذکری بود به آقای کفیل و آن این است که حقیقه از اقدامات بزرگی که در دوره اعلیحضرت همایونی شده است بنده چون بنده ترتیب مدرسه سیهسالار است این مدرسه چون متولیش اعلیحضرت همایونی هستند اصلاً بقدری خوب اداره شده است که یکی از اقدامات برجسته میتوانیم بشماریم ولی چون نظیر این را در ولایات و در بعضی شهر ها داریم دو سه جا را که بنده اطلاع دارم مدرسه داریم که سالی بیست هزار تومان عایدات دارد و هدر میرود صرف نظارت کردن برای او کافی نیست نه اینکه بنده عرض کنم آنچه ما فرزه الواقف است تغییر بدهد خیر بلکه عرض میکنم این برای تعلیم و تربیت است و حالا همین ترتیب مدرسه سیهسالار در همه جا بکنند اشکالی ندارد يك دانشکده معقول و منقول هم در کرمان باز کنند یکی در اصفهان یکی در مشهد باز کنند برای اینکه يك موقوفات بسیار خوبی هست برای همین کار

لیکن بکلی از میان میرود و بصرف میرسد بنده عقیده ام این است این نظر را در همه شهرها اجرا کنند و دانشکده معقول و منقول با موقوفه خودش و در عمل خودش باز کنند این را من باب تذکر عرض کردم.

ولیس - آقای افسر

افسر - بنده چون موافق بودم و حالا هم موافق هستم جواب همه آقایان را حق دارم بدم اولاً راجع به پیشنهاد آقای عراقی همانطور که فرمودید در پیشنهاد دولت همین بود که مداخله در موقوفات خاصه به وجه من الوجوه نداشته باشد ولی ما از نقطه نظر حقوق عامه تجربه کرده ایم اگر میفرمایید موارد زیادی است که عرض کنم بعضی از آقایان خراسانیها شاید اطلاع داشته باشند این شخصی که وقف میکند و متولی فرار میدهد فقط برای پسرش و نوه اش نیست برای يك طبقات متاخر است که در نظر گرفته است و آنوقت گاهی میان پسران و نوه های آنها نا اهل پیدا میشوند که نمیتوانند بفروشند آنوقت میباید اجازه پنجاه ساله و نود ساله میدهند و پولش را میگیرند و خرج میکنند آنوقت آن نوه و نتیجه واقف از بین میروند و بد بخت میشوند آقای میرزائی حاضرند موقوفات اجدادی ایشان یکی از موقوفات مهم خراسان است که عوائد زیاد دارد يك مزرعه ایست که نصفش بعنوان تولیت و وقف در دست آقای میرزائی است نصف دیگرش را یک نفر سندنمالکیت صادر کرده است بنسبت اینکه پنجاه سال قبل آمده و اجازه پنجاه ساله کرده و حالا هم اسنادش حاضر است و مرور زمان شاملش است آنوقت وزارت اوقاف که باید موقوفات را از نظر عامه حفظ کند طبقه حفظ کردنش این است که این شخص بدهد با اجازه پنجاه ساله هفتاد ساله و آنوقت این ملک ملوب المنعمه بشود و اولاد و نوه های واقف فقیر و یریشان بشوند ؟ اخیر طبقه اش این نیست همه باید از این مصارف بهره مند بشوند سواد پیدا کنند و بهتر همین راهی است که در قانون ذکر شده است اما راجع به بیان آقای دیا اگر چه آقای مؤید احمدی جواب دادند ولی خاطرشان باشد که مقصود از مجهول التولیه این نبوده است که از اولش

البته آنوقت که حاکم شرع جعل کرد در آن مورد آن متصدی مثل متولی است که خودتان میفرمایید غیر از این نیست.

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ملک مدنی - کافی نیست.

ولیس - چرا کافی نیست ؟

ملک مدنی - عرض میکنم ماده اول یکماده است

که بقیه بنده هر يك از آقایان نظری دارند باینی اظهار کنند اگر اجازه میفرمایند بنده یکی از اشخاصی هستم که نظریاتی در اینصدد دارم برض برسانم و اشکالی هم ندارد.

ولیس - اشکال دارد برای اینکه این نوبت هم تصدیق شود به آقا نبرسد حالا رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانکه مذاکرات را کافی میداند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

ولیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - موافق.

ولیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - در اینقانون همه آقایان نمایندگان موافقت دارند و بنده هم کمال موافقت را دارم و در عین حال این اقدام آقای کفیل وزارت معارف را بنده در سهم خودم تقدیر میکنم ولی اینجا مذاکره شد راجع بکلمه متصدی این متصدی بقیه بنده باید بکلمه دیگری روشن شود اینجا ما مذاکره کردیم که برای متصدی باید بکلمه دیگری را ماده قانون پیش بینی کنیم که آن کسی را که در قانون متصدی تعبیر میکنیم لاقلاً دهسال سابقه تصدی داشته باشد باین جهت بنده خواستم این نکته را عرض کنم که البته يك موقوفاتیکه يك متولیهای مخصوصی ندارد و يك اشخاصی متصدی هستند اگر چنانچه اینها دهسال سابقه تصدی داشته باشند وزارت معارف آنها را متصدی بشناسد و در واقع در آئینتی که تصدی دارد و دخالت دارد ممنوع نشود

و آن موقوفه را از دست او نگیرند اما کسیکه دو سال سه سال پیش آمده است و موقوفه را تصدی کرده است متصدی نیست که ما او را متصدی بشناسیم و برعکس يك کسی که دهسال سابقه داشت او را متصدی نشناسیم این نظریه ما بود و يك پیشنهادی هم بنده و بعضی از آقایان تهیه کرده ایم که با اصل نظری هم که آقای کفیل محترم وزارت معارف دارند توافقی ندارد و خوبست موافقت فرمایند.

ولیر عدلیه - چون این لایحه با مشارکت یعنی با کسب نظر وزارت عدلیه تنظیم شده است بنده اجازه میخواهم که دفاع کنم در این کلمه تصدی و همچنین در معلوم التولیه و مجهول التولیه آقایان خیلی صحبت کردند حالا بنده مسئله معلوم التولیه و مجهول التولیه را عرض میکنم تا برسیم بمقصد. معلوم التولیه دو قسم است یکوقت هست که شخص معینی است میگویند مخصوص التولیه است یکوقت هست شخص نوعی معین است یعنی بوصف معین است مثلاً واقفی وقف کرده است ملکی را و تولیتش را ارشد اولاد ذکور خودش معین کرده است همیشه منطبق میشود باینکی و متشبه هم نمیشود وقتی مجهول التولیه میشود که اینها منقرض بشوند باز هم ممکن است که واقف در صورت حکمی معین کرده باشد مثلاً بگوید که رئیس فلان طایفه یا پادشاه عصر یا حاکم شرع فلان شهر آنهم باز باوصافی که منحصر بیکمی می شود این هم در جزو معلوم التولیه است بجهت اینکه بوصف معین است مگر طوری متشبه شود که با وقتنامه در دست نباشد و شرط و اوصاف در آن پیدا نباشد و آنوقت میشود مجهول التولیه و از این قبیل اوقاف هم زیاد است و وقتنامه ها از بین رفته و شروط متولی معلوم نیست و منطبق نمی شود با شخص معینی پس میشود مجهول التولیه بعضی اوقاف هم هست که فعلاً در دست اشخاصی است که آنها ممکن است مدعی تولیت باشند ممکن هم هست نباشند یا مجاز باشند مثلاً بقیه خودشان از طرف متولی این در عبارت قانون این است که ممکن است وزارت معارف در دست او ابقاء نماید اجبار که ندارد که این کار را بکند ممکن بودن باین جهت در قانون گذاشته شده است که اگر نبود نمیتوانست اینکار را بکند یعنی خودش

باید اداره کند بطرز اداری و جزء تشکیلات اداری وزارت معارف و اوقاف باشد این يك اجازه است در واقع که اگر مصلحت دانست بخی دهد که آن شخص تصدی خوب اداره نمیکند از دستش بگیرند و اگر دید خوب اداره میکند ممکن است باو بدهد پس این لفظ ممکن است اشکالی برای قانون در عمل نمی آورد و فقط يك اجازه است که اگر نباشد وزارت معارف نمی تواند آنرا با تشکیلات اداری خودش اداره کند و باید حتماً با تشکیلات اداری خودش اداره کند این مقصود است .

رئیس - حالا کافی است ؟ (نمایندگان - بلی کافی است) پیشنهادی از آقای اعتبار راجع بماده اول رسیده است قرائت میشود .
بصره ذیل را بماده ۱ پیشنهاد میکنم .
بصره - تصدی نباید کمتر از ده سال سابقه تصدی داشته باشد .

اعتبار - مطالب همان بود که آقای وزیر عدلیه کاملاً توضیح فرمودند تصدیاتی که ما امروز نمی بینیم هستند غالباً اشخاصی هستند و خانواده های هستند که يك موقوفاتی را از سالان دراز در دست داشته و عمل میکنند و برای اینکه آن سوابق یا وقتنامه ها بطور کامل مورد قبول وزارت معارف و اوقاف نشده این است که در متولی بودن آن شخص اشکال کرده است و البته همانطور که فرمودند اشخاصی هم هستند که خانواده های محترمی هستند و خیلی خوب هم عمل کرده و منظور واقع را بجا آورده اند از این جهت بنده و آقایان دیگری که تقاضا کردیم پیشنهاد کلمه تصدی را کردیم با کلمه تصدی و تصدی کاملاً موافق هستیم ولی از آن طرف هم میل داریم که بیکدی هم برای این کار باشد امروز منظور از موافقت ما در این قانون که رأی میدهم و موافق هستیم از نظر این قایل و این تب است یعنی يك قبلیها و يك خانواده های محترمی امروز دیدیم موقوفاتی مداخله دارند وزارت معارف هم از آنها رضایت دارد و آن موقوفات را در دست آنها باقی بگذارد اگر ما بخواهیم قانوناً مداخله موقوفات که هست بگذاریم این اشکال ندارد که امروز وزارت

معارف از من تصدی که سالان دراز در دست موقوفاتی مداخله داشته ام بگیرد بدهد يك زید دیگری ولی برای اینکه این طرز و ابتداء پیش نباید و از آن طرف هم واقفاً با طرز صحیحی انجام شده باشد بنظر بنده باید اینجا مقید کرد که تصدیاتی را وزارت معارف حق داشته باشد تصدی بنماید که اوسابقه تصدی داشته باشد در آنوقت و صرفاً يك نکره امروز نباید روی يك اقدامات مجلسی چون بعضی اوقات هم دیده شده است در ولایات که در قسمت وقف همیشه يك دست بندیهای و يك اتریجانی هست که ممکن است این ماده موجب فراهم آوردن يك وسائلی بشود که امرا بوزارت معارف مشتبه کنند که بکوفتی را از دست قبایلی بگیرند و بدست دیگری بدهند ، این نظر بنده و آقایان هم این عقیده را داشتیم حالا اگر ده سال زیاد است کم ترش بکنند بهرحال آن تصدیاتی را ابقاء بکنند که سابقه عمل و تصدی داشته باشند .

رئیس - آقای افسر - توضیحی که آقای اعتبار دادند که املا یا پیشنهادشان موافقت ندارد - این فرمایشی را که آقای اعتبار فرمودند خوب حرفی است که مامی گفتیم که وزارت اوقاف ملزم است باو بدهد این حرف صحیح بود ولی يك کسی ده سال زحمت کسبیده است و خوب هم عمل کرده است نگیرد ازش اما آن کسی که نه سال در دستش بوده است وزارت اوقاف حق داشته باشد بگیرد ؟ باینکه او هم شاید خوب عمل کرده باشد یا هشت سال ؟ هشت سال سال باشد ولی ده سال باشد ؟ بنده که نمی فهمم زمان چه مدخلیتی دارد در این کار و در این قسمت چه تأییری دارد ؟ بهرحال نظر من با پیشنهادتان موافق بود و بنده اینرا که فرمودید منطبق با پیشنهادتان نیانم و الا بنده موافقم .

مخبر کمیسیون معارف (دکتر سنک) - موجب اینکه از طرف آقایان پیشنهاد شده است در موضوع تصدی بکلمه از آقایان معتقدند که عنوان تصدی ازین برود و بکلمه که این پیشنهاد را کرده اند مثل آقایان اعتبار و مالک مدنی معتقدند که باید تصدی باشد اگر باید تصدی باشد که پنج سال و ده سال دیگر چه چیز است ؟

این پیشنهادی که اینجا شده است که اگر ده سال تصدی باشد خوب اگر پنج سال در يك موقوفه تصدی باشد این چه کار میکند برود بی کارش ؟ همینطور که آقای افسر فرمودند اگر پیشنهاد شود اشخاصیکه ده سال بوده اند باشند و بقیه نباشند زمان چه تأییری دارد ؟ و این پیشنهاد هم مطلب و منظور آلا را نمیرساند بنابراین بنده است بنظر مجلس اگر مجلس پیشنهادتان را قبول کند ما حرفی نداریم .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار را قایل توجه میداند قیام فرمایند (عده قلبی قیام کردند) قایل توجه نند . آقایانیکه با ماده اول موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده دوم :

ماده ۲ - نسبت بموقوفات عامه که متولی مخصوص دارد وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته و بر طبق مواد ۶ و ۷ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ و ضمیمه آن رفتار خواهد نمود رئیس - پیشنهادی از آقای افسر رسیده است :

بنده پیشنهاد میکنم بصره ذیل بماده دوم اضافه شود :
بصره - موقوفاتیکه تولیت آن با سایر نهجرات مشمول این قانون نخواهد بود .
رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری بنده موافقم .
رئیس - پیشنهاد آقای دیا :

پیشنهاد بنمایم لفظ کامل بعد از کلمه نظارت حذف شود .

طباطبائی دیا - بنده عقیده ام این است که در مواد قانون نباید بیکبار نهایی نوشته شود که بعد موهم يك چیزهایی بشود گانه وزارت معارف و اوقاف دو قسمت نظارت دارد یکی نظارت کامل یکی نظارت ناقص . این لفظ کامل در این لایحه موهم معنای دیگری میشود و البته وقتی وزارت معارف نظارت دارد باید نظارتش کامل باشد مطابق فاعله مسلم و کلی و این کامل را اینجا ذکر کردن بقیه بنده هیچ موردی ندارد .

رئیس - آقای دکتر طاهری .
دکتر طاهری - این کلمه کامل در اینجا معنایش این نیست که شامل ناقص هم باشد . خیر ، مقصود تأکید است کلمه تأکید است یعنی نظارتی که در حقیقت

نظارت باشد نظارت رسمی نه نظارت اسمی .
طباطبائی دینا - با این توضیح بنده مسترد می‌دارم .
رئیس - آقایانیکه با ماده دوم با اصلاح پیشنهادی آقای افسر و اصلاح پیشنهادی آقای دکتر طاهری که با هر دو فقره دولت و مخیر کمیسیون موافقت کردند موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .
ماده سوم :

ماده ۳ - اموال غیر منقول که بر حسب نذر یا وصیت یا حبس منافع آن بطور دائم یا در مدتی که کمتر از ۱۸ سال باشد برای مصارف عامه تخصیص داده شده معمول مواد ۲۹۱ این قانون خواهد بود .
بصره - وزارت اوقاف در کلیه مؤسسات خیریه و همچنین آبهائی که وقف بر شهرها است مجامع نظارت خواهد داشت .
رئیس - آقای دینا .

طباطبائی دینا - جنس مشترك مابین وقف و حبس این است که حقیقه عقید کردن رقبه است و آزاد کردن منافع آن . حبس العین و تسبیل النعمه . حبس عین و آزاد کردن منت منعت آنوقت اگر منافع همین طور دائم شد وقف است و مدت دار اگر شد حبس است ولی در این ماده ذکر شده است یا حبس منافع آن بطور دائم بنده این را ملغی نشدم که وقف است یا حبس البته نظرشان بحبس بوده است و آنهم باید مدت داشته باشد والا وقف است که بطور دائم است این است که بنده عقیده ام این است که این عبارت باید اصلاح شود . این یکی . یکی هم اینکه نوشته شده وزارت مصارف و اوقاف در کلیه مؤسسات خیریه و آبهائی که وقف بر شهرها است نظارت مجانی خواهد داشت چینی چه ؟ یعنی وزارت اوقاف در سه شیر و خورشید سرخ یک نظارتی دارد ؟ (افسر - در مصارفش پلی) البته در مصارفش باشد ولی اگر داخل موقوفات است اینها که دیگر ذکر کردنش لازم نیست اگر از موقوفات عامه است و متولی ندارد که خوب البته نظارت خواهد کرد دیگر این بصره را نفهمیدم از چه نقطه نظر بوده است که اینجا گذاشته اند .

رئیس - آقای افسر

هم باید محترم بشمارید که بنده اگر پول دادم برای زلزله بکار دیگر و بمصرف دیگر نرفتم برای سبیل اگر بود بکار دیگر نزنند ولی این کار امروز مسئولی در این مملکت ندارد اگر آقایان مخالفت می کنند ممکن است نظارتش باشد در نظارتش کسی حرمانی ندارد ولی در جمع آوردن البته مردم خودشان آزادند بدهند یا ندهند ولی در مصارفش باید نظارت داشته باشد ملاحظه فرمودید اعانه آمل را در خاطر آن لابد هست که بعد از چند سال سر از املاک طوابع بانس در آورد دیگر باقیش را بنده نمیخواهم عرض کنم این بود که بنده این پیشنهاد را کردم و مدافعتی هستم که وزارت اوقاف نظارت در مصارف خیریه داشته باشد اما در باب آبهائی شهری که آن نمیکنم آقای دینا در این خصوص اشکالی داشته باشند که آبهائی وقف بر شهرها مورد نظارت مجانی وزارت اوقاف قرار گیرد این پیشنهاد بسیار خوبی است که آقای دکتر طاهری پیشنهاد کردند و چون گمان نمی کنم در این قسمتها مخالفتی داشته باشند از این جهت پیش از این عرض نمیکنم
رئیس - آقای وزیر عدلیه فرمایند داشتند .

وزیر عدلیه - بنده فقط در یک قسمتی میخواهم عرض کنم مسئله حبس را که آقای دینا فرمودند معنایش وقف است همینطور است در صورتیکه حبس دائم باشد معنایش وقف میشود ولیکن خود حبس یک عنوان علیحده است و صحیح هم هست و اگر کسی حبس کند ملکی را و منافع آنرا بطور دائم برای منافع خیریه بگذارد اسمی حبس است نهایت معنایش فرق میکند اینها فقط اصطلاح شده است که اگر بعبارت حبس باشد آنوقت شبهه میشود که در قانون اسم وقف است و حبس نیست و حبس را چه باید کرد از این لحاظ است و اشکالی هم ندارد و الا معنای تقابلی ندارد تغییر اصطلاح هم لازم نیست .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بدبختانه با اینکه با این لایحه موافقت ولی گاهی مجبورم بعنوان مخالفت عرض کنم اما راجع بحبس بنده هم با آقای وزیر عدلیه شرکت دارم که

حبس دائم یعنی ندارد و حبس دائم همان وقف است ولی برای اینکه نوشته شده باشد در متن قانون ذکر آن لازم بود . اما مطلبی را که خواستم عرض کنم این است که اینجا می نویسد که در مدتی که کمتر از هیجده سال نباشد نسبت به نذر یا وصیت یا حبس باید وزارت مصارف و اوقاف همان قسمت ماده اول و دوم را در اینجا منظور دارد که اینهم مشمول آن دو ماده است بنده عقیده ام این است که قانون را ما باید برای دائم بنویسیم ولو ممکن است که یک عصر و زمانی بیاید و سوانحی پیدا شود که آن قانون را قانون دیگر بیاورد و نسخ کند در قانون یک چیزی که فرض کنیم هیجده سال حبس کرده اند با دوازده سال حبس کرده اند که متافع آنرا بیک مصرفی برسانند حالا شما این را حالت یک وقفی باو می دهید و آن وقت وزارت مصارف و اوقاف در آن جا وارد شود خود وزارت مصارف و اوقاف هم میدانند که این یک صورت سازی است ملکی که برای هیجده سال حبس شده است خوب فردا از این حالت بیرون می آید اینجا خوب است که همانطور که خود وزارت اوقاف پیشنهاد کرده بودند که کمتر از چهل سال باشد باز برگردیم بهمان حال اگر چه آقایان اعزاء که بیرون محترم مصارف هر چه را که پیشنهاد کردند و تندتر از لایحه دولت هم کرده اند یک مصالحی برایش فرض کرده اند که پیشنهاد کرده اند ولی مصالحی که بوده مصالحی بوده است که در همان نقطه ملحوظ بوده است ما از سایر جاها همه مان اطلاع نداریم که کجا هست و کجا نیست یک جاهائی هم منظور که حصرت والا در جواب اولی بنده مثال زدند که پنجاه سال می آیند و اجازه میدهند و بعد اولاد آنها گناه میکنند این ممکن است که در خراسان و آنجاها اینطور شده باشد ولی اگر جاهای دیگر را ملاحظه فرموده باشید در همان جاها هم از پنجاه کمتر گناه میکنند که هر روز بخوانند با دوازده مصارف و اوقاف بروند که ما میخواهیم ملک ملک را شش سال اجازه بدهیم و شما یک جواز بدهید و یک

ایکمی هم او را بکشد اینطرف و آنطرف با آن یکی میباش
نمیکنند که او را راه بدهد این بدینت فلک زده باید
برود يك سال در قری معارف و اوقاف بدود تا آیا
نتیجه بدهد باندهد باین ترتیب آقا همه جارا باید يك
تاور فرض کرد البته وضعت مردم را باید در نظر گرفت
يك کسی ملکش را اجاره داده یکی هم ملکش را فروخته
و برای اولادهاش نوهایش گذاشته ماحالت وقف خاصی
را باحالت ملککی که شخصی است يك طور قائلیم و همان
حالی را که نسبت بوقف عام قائلیم برای وقف خاص هم
باز قائل شده ایم در این قسمت هم که نوشته است بیش از
هیچده سال باشد خوبست آقایان همراهی بفرمایند
بهمان ترتیب لایحه دولت که چهل باشد که کمتر از چهل
سال اگر شد کاری نداشته باشند و نسبت با نظراتش کار
داشته باشند.

میرزائی - اجازه بفرمایند؟

رئیس - آقای دکتر طاهری قبلاً اجازه خواسته اند
عضو کیسیون هم هستند.

میرزائی - بنده هم عضو کیسیون هستم و موافقم.
خالا که آقای دکتر دفاع میکنند بفرمایند.

دکتر طاهری - در قسمت حبس و نذر و وصیت این
يك قیدهایی اینجا میشود مقصود این است که حمایت
بشود از نظر واقف همانطور که خود آقای عرافى توضیح
دادند که حبس بشود یا نذر بشود یا وصیت بشود باینکه
برای ورثه باشد و حکم ملك شخصی دارد اما آن کسی که
اینکار را کرده معلوم میشود نمیخواستند مثل سایر متروکانش
آزاد باشد و در مامله خواسته است عقید باشد تا حدی
که نتواند در غیبتش دخالتی کنند بنا بر این اگر قیودی
اینجا شده است برای این بوده است که نظر واقف و حبس
کننده و وصیت کننده ملحوظ شده باشد اما اینکه
برای مدتی چهل سال ملحوظ شده بود و در کیسیون
هیچده سال منظور شد این پیشنهاد نظر آقای اسر بود
و منظور شدن این بود که اگر چنانچه مدت زیادتری
باشد ممکن است مرور زمان شاملش بشود و مرور زمان

باستثناء موارد ماده ۷ مداخله ندارد
رئیس - در ماده چهارم اشکالی نیست. آقایان موافقین
قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد.
ماده پنجم.

ماده ۵ - در موقوفات عامه که اداره آن مستقیماً
با وزارت معارف و اوقاف است از حیث تقاضای ثبت و
اعراض بر ثبت و اقامه دعوی و طرفیت در دعوی و غیره
وزارت مزبور ممانعت متولی منصوص خواهد بود و در
موقوفات عامه که نظارت آن با اداره اوقاف است حق
تقاضای ثبت و اعراض بر آن و اقامه دعوی دارد و اگر
متولی طرف دعوی واقع شده باشد میتواند بعنوان ناک
داخل در محاکمه شده و در صورت محکوم شدن متولی بر
حکم اعراض نماید.

بصره - در موقوفات خاصه هرگاه تقاضای ثبت به
عنوان ملکیت شد وزارت اوقاف مکلف است اعراض دهد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده در شور اول عرض کردم بسا
دیده شده است که بعضی از متولیان ها وقتی که اعراض
شده است ممانعت کرده اند و جواب نداده اند با اینکه
اساساً آمده اند يك موقوفه را بعنوان خودشان به ثبت
داده اند اینجا در بصره نوشته شده است که اگر بعنوان
ملکیت ثبت بدهند وزارت معارف و اوقاف مکلف است
اعراض بدهد خوب اگر يك همچو متولی بینداند که
رقه و يك ملك موقوفه را باسم خودش ثبت داده است
وزارت معارف و اوقاف هم اعراض داده است و در
محکمه هم محکوم شده است این جا ذکر می شود که
مجازات این چیست؟ بنده عقیده ام این است که حقیقه
این لاابالی کاری و ممانعت کاری را جلوگیری کنند که وقتی
این کار را کرد باید يك مجازاتی داشته باشد.

رئیس - آقای عرقی موافقتند؟

عراقی - بل بعهده بنده بهترین مواد این لایحه
همین يك ماده است و باید وزارت معارف و اوقاف همیشه
جلوگیری از دزدی بکنند متولی که ملك وقف را بعنوان

ملك شخصی خودش ثبت میکند او دزد است که آن
واقف بدینت هم که آرا مخصوصاً معین کرده است نمیدانسته
است که این دزد است و يك همچو متولی دزد را وزارت
اوقاف باید مجازات کند و راجع بمجازاتش هم که میفرمایند
خوب در آن جایی که برای کلیه امور مجازات این قبیل
امور را تعیین کرده اند (یعنی در قانون مجازات عمومی)
معین شده است و مجازاتش میکنند (یکی از نمایندگان -
خیانت در امانت است) بل، خیانت در امانت یا چیز
دیگر در هر حال مجازاتش در قانون مصرح است.
شما ملاحظه بفرمایید قانون ثبت را ما نباید دست کنیم
باید يك کاری بکنیم که بآن لطمه وارد نیاید اگر يك
کسی رفته و دزدی کرد و مال هم ازین رفته است تکلیف
چیست؟ باید آنچه میشود از این آدم عوضش را بگیریم
بایبائیم و اصرار کنیم باز که نوعین آرا باید بیاوری
و حتماً بدهی؟ نه بهترین مواد این لایحه بعهده بنده
همین ماده پنج و بصره آن است و خوبست که آقای دیبا
هم موافقت بفرمایند که همینطور تصویب شود.

رئیس - آقایان موافقین باماده پنجم قیام فرمایند
(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ششم:

ماده ۶ - در موارد مذکور در ماده قبل وزارت معارف
و اوقاف از پرداخت مخارج محاکمه معاف خواهد بود.
چنانکه ملك عایدی داشته باشد و در تصرف وزارت
اوقاف باشد یا بموجب حکم قطعی بتصرف وزارت
مزبور درآید باید بمدا مخارج محاکمه را بپردازد.

رئیس - آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هفتم:

ماده ۷ - بیع وقف و تبدیل آن در موردی که مطابق
مواد ۸۸-۸۹ قانون مدنی جایز است باید با اطلاع و
تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون
مزبور واقع شود و همچنین است اجازه که بیش از پنجاه باشد.
رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - بنده يك توضیحی میخواستم استفسار
کرده باشم. در این صورتیکه بیش از است اولاً يك

کلمه تصحیح شده است میخواستم بهینم این تصحیح آیا با موافقت آقا شده است پانه ۴ ماده میگوید : بیع وقف و تبدیل آن در موردی که مطابق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی جایز است باید با اطلاع و تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود و همچنین اجاره موقوفات خاصه . اینجا موقوفات خاصه دارد که پیش از پنجمال باشد . بنده عرض این است که موقوفات خاصه حالا در متن قانون ما نیست اینجا اضافه شده است (یکی از نمایندگان - پلی در متن قانون نیست) پلی اضافه شده ولی پیوردهم نسبتا اگر چنانچه تصیم فرمایند و پیشنهاد بشود بدینست . این یکی تا بیا من پنجمال را از برای وزارت معارف جهت اجاره کم میدانم و ابتلای خلق را با مراجعه با اداره اوقاف زیاد می بینم برای خاطر اینکه ما دیده ایم املاکی که اجاره می رود بواسطه کمی مدت آباد نمیشود و عمران کافی بخود نمیگیرد بنا کارها باید در املاک بشود و بنا محصولاتی است که باید در آنجا تربی داده شود که در طرف مدت باین کمی نمیرسد فرض کنید ملکی است که باید چای در آن بکارند مستاجر یکمدتی لازم دارد برای زراعت جای تا بعد از این محصول بگیرد یا درخت زیتون غرس بکنند مدتی پیش از پنجمال لازم دارد آن وقت اگر ما پنج سال را بگیریم مراجعه مردم به اوقاف خیلی زیاد میشود و مراجعات زیاد پیشتر اسباب ابتلاء مردم میشود اگر چنانچه ابتلای ندارد که همه شرفیاب بشویم اگر از شرفیابی همسان قدری مزاحمتی است بر خاطر خاطر خوبست قدری شرفیابی مان را راهش را کمتر فرمایند .

السر - عرض کنم که گویا آقای اورنگ میخواهند فرمایند که مقید باین باشند که از پنجمال بیشتر اجاره کنند این مانع قانونی ندارد فرمودند جای کاری ممکن است ملک را سی ساله اجاره بدهند البته برای آبادی ملک برای قنات برای باغ دست کردن یا درختهای که دیر میسر میسرند مثلا درخت گردو اگر بخواهد بکار دانه پازره سال کمتر نمیشود یا بست سال کمتر نمی شود ما فقط اینجا نوشته ایم اگر پیش از پنجمال باشد با اطلاع وزارت اوقاف باشد و آن هم عرض کردم برای اینکه

برای اینکه مردم با مأمورین دولت تماسشان زیاد نباشد شما الاث بموجب این ماده هر پنجمال بکمتر به یکمده یا صغیر یا غیر صغیر تغییر یا غیر آنرا بنده کار ندارم باید در وزارت معارف و اوقاف باید در ولایات در ادارات معارف و اوقاف ایستاده باشند و هی توضیحات بدهند و با رؤسای اوقاف مشغول صحبت باشند و کار طول بکشد تا بگذرد یا نگذرد بقیده بنده آقایان هم همراهی فرمایند خود دولت هم همراهی فرمایند خود آقای کفیل هم همراهی فرمایند که وقف خاص مجزی شده و قسمت اخیر ماده حذف شود و توضیحات و تشریحاتی که همه آقایان میدادند فرما کلمات را در آن حذف اول که شود اول لایحه مطرح بود آقای مؤید احمدی بیان فرمودند که فرد اکمل آن وقف بر اولاد است که فروشد و آنها حالت ملک دارد و اینها را اینقدر با وزارت اوقاف تماس ندهید از اینجهت بنده پیشنهاد حذفش را کردم و خوبست وزارت معارف و اوقاف هم موافقت فرمایند .

کفیل وزارت معارف - اگر چه در اساس با آقای عراقی ماهیج مخالفتی نداریم و حتی المقدور ما موافق هستیم که رعایت و تسهیلی برای مردم شده باشد این نظر را وزارت معارف در تمام مواد ملحوظ کرده است ولی متأسفانه بنده با پیشنهاد ایشان موافق نیستم برای اینکه اگر این اجاره را از میان برداریم اینمدمت مربوط است به موقوفات خاصه ولی برای موقوفات عامه برای هر موقعی است و این اگر نوشته نشود آن نظارت انجام نمیگیرد یکی از موارد نظارت تصویب اجاره است و باید حتما در موقوفات عامه باشد و اطلاع داشته باشد اما سوء ظن حضرتعالی نسبت بمأمورین اوقاف وارد نیست برای اینکه اگر یکمأموری اتفاقا مردها مطلق کند البته مافوقی هست و باو شکایت میکنند و بالاخره از او مؤاخذه میشود و امیدواریم این ایرادانی که آقا تصور فرمایند پیش نیاید و صورت خارجی پیدا نکند .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای عراقی را تسابل قابل توجه میدادند
دکتر طاهری - حذف که نمیشود کرد و بخذف

نمیشود رأی گرفت .
رئیس - چرا ؟ اولاً این ترتیب که به پیشنهاد حذف نمی شود رأی گرفت و در ضمن ماده تکلیف آن معلوم بشود اگر ماده تصویب می شد پیشنهاد رد شده تلقی میشد و اگر تصویب نمیشد طبعاً پیشنهاد را قبول شده میدانستند این يك فرمول زشتی بود (صحیح است) اصلا ما باید به بینیم که این پیشنهاد قابل توجه میشود یا نمیشود (صحیح است) آقایانی که پیشنهاد آقای عراقی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عدّه قلیل برخاستند) قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای افسر .

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷ باین قسم اصلاح شود :
بیع وقف و تبدیل آن در موردی که مطابق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی جایز است باید با اطلاع و تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود همچنین است اجاره موقوفات خاصه که پیش از پنج سال باشد .

السر - عرض کنم که البته همانطور که ملاحظه فرمودید پیشنهاد بنده همین دوکلمه را دارد موقوفات خاصه و ما آن توضیحی که الان خود آقای کفیل دادند که وقتی در خود وقف نظارت کامل دارد در اجاره آن هم باید داشته باشد البته باید برای موقوفات خاصه هم این ترتیب رعایت بشود و روی همین نظر بنده این پیشنهاد را کردم که اضافه شود و الا تغییر دیگری بنده در ماده ندادم موقوفات عامه که معلوم بود موقوفات خاصه هم باید اضافه شود .

رئیس - پیشنهاد آقای افسر را موافقت ؟
کفیل وزارت معارف - بلی بنده موافقم .
مخبر - بنده هم موافقم
مؤید احمدی - بنده مخالفم
رئیس - فرمایند
مؤید احمدی - بنده مخالفم بملت اینکه همانطور که آقای عراقی فرمودند شما میگویید وزارت معارف در موقوفات خاصه اصلا مداخله ندارد آنوقت بنویسید

در اجاره اش مداخله دارد ؟ این چیز غریبی می شود این است که بنده ولو اینکه آقای کفیل هم قبول کردند و آقای مخبر هم قبول کردند مخالفم و اگر بخواهید رای بگیری بنده تقاضای تجزیه میکنم اول رای بماده بگیری بعد باین پیشنهاد (صحیح است)

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که نمیشود تجزیه کرد باید به پیشنهاد رای گرفت بعد هم بماده . تجزیه خوب نیست . بنده با پیشنهاد آقای افسر موافقم و بماده هم رأی میدهم رئیس - پس از آنکه دولت و مخبر قبول کردند اولاً پیشنهاد دهند فقط توضیح مختصری میدهند و يك شخص هم مدافعه میکند که عضو کمیسیون باشد و وقتی دولت مخبر قبول کردند آنوقت قابل مباحثه میبود این بود که بنده آقای مؤید احمدی مجال دادم که صحبت بکنند حالا پیشنهاد تجزیه هم میکنید بکنید .

دشتی - البته میشود تجزیه کرد

رئیس - بنویسید . پیشنهاد آقای مؤید احمدی .

بنده پیشنهاد میکنم ماده و پیشنهاد تجزیه شود .

(عده از نمایندگان - صحیح است)

مؤید احمدی - عرض کنم که توضیحش را مقدمه عرض کردم چون در يك ماده داشت که در موقوفات خاصه اصلاً وزارت معارف حق مداخله ندارد و در موقوفات عامه حق دارد آنوقت در اجاره البته در موقوفات عامه حق دارد که نظارت کنند ولی در مورد موقوفات خاصه در اصالت نظارت ندارد آنوقت در اجاره اش نظارت داشته باشد این بنظر بنده چیز غریبی است .

افسر - بنده حق دارم جواب بدهم اجازه میفرمائید ؟

رئیس - آقای دیبا چه فرمایشی داشتید ؟

طباطبائی دیبا - بمقیده بنده جای تجزیه این جا نیست تجزیه مطابق نظام نامه در مورد نیست که ماده مشتمل بر فقرات متعدد باشد چندین فقره باشد آنوقت ممکن است تجزیه بشود این جا پیشنهاد آقای

افسر نمایانم چطور تجزیه میشود ؟ يك لفظ خاصه این جا علاوه شده است و بنده عقیده ام این است که این جا باید به پیشنهاد آقای افسر رای بگیرند .

مؤید احمدی - تجزیه منطقی همین است دیگر . رئیس - نظر آقای دیبا صحیح است که تجزیه در موردیست که ماده مشتمل به فقرات متعدده باشد ولی مدلول پیشنهاد ایشان این است که اول ماده را بدون این لفظ رای بگیریم بعد باین ماده با اضافه این پیشنهاد این راست است اسمش تجزیه نیست ولی این فرض ممکن است ...

دکتر طاهری - اجازه می فرمائید توضیحی عرض کنم رئیس - بفرمائید . چه توضیحی می خواهید بدهید ؟ دکتر طاهری - عرض کنم که نظریه آقای افسر در ماده چهارم تأمین شده است زیرا که ماده چهارم موقوفات خاصه را که میگوید وزارت معارف و اوقاف دخالتی ندارد استثناء کرده است در مورد ماده ۷ اما اینکه حالا آقای مخبر و دولت پیشنهاد را قبول میکنند بمقیده بنده این جا میفرود یکی از آقایان همان ماده اولی را پیشنهاد کنند چون آنچه که قبول شد حاصل شد حالا پیشنهادی که شد اصل ماده حالا پیشنهادات درش وارد می شود پیشنهاد میکنم عین این ماده پیشنهادی کمیسیون را و ایشان هم موافقت میکنند و تمام میشود .

رئیس - رأی میگیریم بماده هفتم ...

عراقی - اجازه میفرمائید .

عراقی - يك پیشنهادی راجع بماده هفت بنده تقدیم کرده ام .

رئیس - این را مؤخر میذاریم که تکلیفش بعد معلوم شود يك پیشنهادی هم آقای طالش خان داده اند

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۷ در عرض پنج سال ده سال نوشته شود .

طالش خان - مقصود بنده کلمه خاص بود حالا که از بین می رود نظر بنده تأمین میشود .

رئیس - پیشنهاد آقای احتیاج زاده

بنده پیشنهاد میکنم ماده همانطوری که در خبر کمیسیون معارف است نوشته شود .

رئیس - این ماده مؤخر است . پیشنهاد آقای اورنگ پیشنهاد میکنم که جمله اخیر ماده ۷ باین عبارت اصلاح شود و همچنین است اجاره موقوفات خاصه که پیش از هشت سال باشد .

پیشنهاد آقای عراقی

پیشنهاد میکنم در ماده ۷ نوشته شود در وقف خاص بیش از ده سال محتاج باشد باطلاع وزارت معارف و اوقاف .

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده اشکالی نمی بینم حل مشکل بهر طریقی بشود حاضرم اولاً اینکه آقای مؤید احمدی آن بیان را فرمودند با اعتقاد بنده با ماده چهار آن بیان زیاد وارد نیست چرا چون در ماده ۴ میفرمود که (وزارت معارف و اوقاف در موقوفات خاصه باستثناء موارد ماده (۷) مداخله ندارد) یعنی همین ماده . در این ماده هم يك کلمه آقای افسر پیشنهاد اضافی دادند و کفیل محترم وزارت معارف و مخبر کمیسیون معارف هر دو قبول کردند (مخبر - حق داشتیم) و حق هم داشتند بنا بفرمایش آقای دکتر سنک این ماده میشود ماده هفت و رأی میدهم این ماده را قبول کردیم با این عبارت یا اگر در میبکنیم ماده را در میبکنیم پس از قبول کردن آقای کفیل معارف و مخبر دیگر موردی ندارد که ما تفکیک را پیشنهاد کرده باشیم (بعضی از نمایندگان - میشود میشود) شما میفرمائید میشود بنده عرض میکنم نمیشود . بسیار خوب اگر مکرر گفتن است من صد دفعه میگویم نمیشود . این را که من پیشنهاد کردم مسئله هشت سال نه این است که من آن بیان را ملتفت فندم یا ماده را ملتفت فندم یا از جهت دخالت وزارت معارف است که عرض میکنم آن دخالت را بنده موردی برایش نمی بینم (خیر) آن دخالت و نظارت مورد دارد اگر دخالت وزارت معارف مورد داشت که این قانون بمجلس نمی آمد تمام آقایان نمایندگان در

این زمین مقادیر که در مجلس عضویت دارند اطلاع دارند تمام بانک ها و فریادها برای این است که چرا در موقوفات وزارت معارف از این جهت نظر ندارد بنا بر این روی همین تقاضای عمومی این مواد تنظیم شده است و بمجلس آمده پس از دخالت و اطلاع وزارت معارف نه کسی بیم دارد و نه کسی باید بیم داشته باشد و انسان از دو حال خارج نیست یا صحیح العمل است یا نیست و در صورت ثنی البته از همه کس بایستی بیم داشته باشد و در صورت اول از هیچ عیبی نباید بیم داشته باشد و این پیشنهاد را که ما عرض کردیم از برای پنج سال برای خاطر کثرت مراجعه بوزارت معارف هم چون در غالب موقوفات و غالب املاک دیده ایم که اگر بخواهیم بدست کم آنها را با اجازه و اگذار کنیم صلاح و صرفه زیادی جهت ملک رعایت نکرده ایم و غالب املاک موقوفه این ابتلا را داشته است یعنی بدست کم اجاره میرفت و مستاجر قدس استفاده و منفعت بود بطوری که درختش را میبرد بعنوان هیزم میفروخت برای اینکه میدانست مدتی دو سال است بعد اجاره اش تمام میشود و از دست او میگیرند و دیگر برای استفاده او مدتی باقی نمی ماند پس باید ملک وقف را يك مدت بیشتری از برایش همین کرد والا اگر املاک وقف را به يك مدت قبلی با اجازه بدهند و می مراجعه بوزارت معارف کنند مراجعات وزارت معارف زیاد میشود این بود که پیشنهاد کردیم که اگر بخواهند ملک موقوفه را با اجازه و اگذار کنند این میزان را محتاج با اجازه وزارت معارف باشد و اگر از هشت سال بیشتر بخواهند که به اجازه برود ممکن است که نباتی بشود بین من منولی منقلب و يك مستاجر منقلب نری از من و متعلق از این ملک موقوفه سلب بشود برای تأمین این نظر باید اجازه بدهیم که با موافقت وزارت معارف باشد تا آن سجل وقف بودن آن ملک باشد بنا بر این این پیشنهاد را بنده عرض کردم و اما از آن نظر که ما مورثین وزارت معارف را قرض کنیم که خوبست کمتر نسیاس

بدهیم یا مردم اگر این نظر را آقای عراقی بخواهم
 تبیین بدهیم در مملکت زندگی همیشه باید تمام زندگی
 در این مملکت بر چیده شود اصل باید این طور باشد
 کما مانت آنها بهدانت آنها... روز الطینسان ما است و
 واقیاً هم ما این نظر را نسبت بوزارت اوقاف داریم و
 رای هم میدهم بماده هفت برای اینکه وزارت معارف
 و اوقاف نظارت داشته باشد یعنی آن کیفیت نظارت نه
 این طوری باشد برای وزارت معارف که دست و بالش
 بسته شود و شوائب نظارت کند بک هوقوقاسی را که
 جلوگیری بشود از حیف و میل شدن عوائد و منافع آن
 ملک و هوقوقه این بود که این پیشنهاد را بنده عرض کردم
 رئیس - آقای انبار پیشنهاد صحیح کرده اند بر رعایت
 اینکه این پیشنهاد های مختلفه يك صورتی پیدا کند
 پنج دقیقه تنفس داده شود (صحیح است)
 (در بیان موقع جلسه برای تنفس تعطیل و یقاصله
 یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای وزیر امور خارجه
**(۵- تقدیم يك عهده نامه از طرف آقای وزیر
 امور خارجه)**

وزیر امور خارجه - بنای روابط ما با دولت سوئیس
 بر روی يك عهده نامه موقتی بود که پنجسال قبل منعقد شده
 بود اخیراً يك عهده نامه هائی بسته شده است : عهده نامه
 مودت و قرار داد اقامت و بعضی مقررات راجع بامور
 قضائی این است که تقدیم میشود بمجلس و استدعا میکنم
 مورد رسیدگی واقع شود و ضمناً میخواستم استدعا
 کنم که در این موقع بعد از تنفس دو سه کار کوچک است
 راجع بوزارت امور خارجه اگر ممکن است مطرح شود
 و تصویب شود.

(۶- شور اول عهده نامه بین ایران و دانمارک)
 رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع به عهده نامه
 ایران و دانمارک مطرح است شور اول
 خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه سوم آذرماه ۱۳۱۳

لاکجه شماره ۱۰۴۹۰ دولت راجع به عهده نامه مودت و
 اقامت و تجارت بین ایران و دانمارک را با حضور آقای
 معمارین وزارت امور خارجه مورد شور قرار داده و
 عیناً تصویب نمود اینک خبر آرا برای شور اول
 تقدیم مینماید ..

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت
 ماده واحده - مجلس شورای ملی عهده نامه مودت و
 اقامت و تجارت مشتمل عمده ماده و یک پر تکل اختتامیه
 را که بین دولتین ایران و دانمارک در طهران در تاریخ
 اول اسفند ۱۳۱۲ مطابق فوریه ۱۹۳۴ منعقد شده است
 تصویب مینماید.

رئیس - در کلیات اعتراضی نرسیده است آقایانیکه
 با ورود در شور مواد موافقت دارند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد در ماده ۱ - ۲ -
 ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ -
 ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - اعتراضی نرسیده است
 در پروتکل اختتامیه هم اعتراضی نرسیده است آقایانیکه با ورود
 در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخواستند)
 تصویب شد.

**(۷- شور اول لایحه الحاق ایران بفرار داد جلوگیری
 از معامله و اغواء نروان)**

رئیس - خبر کمیسیون راجع بالحاق دولت ایران
 بفرار داد بین المللی جلوگیری از معامله و اغواء نروان
 کیره مطرح است

کمیسیون امور خارجه در جلسه سوم آذرماه ۱۳۱۳
 با حضور آقای معمارین وزارت امور خارجه لایحه نامه
 (۱۰۴۸۸) دولت راجع بفرار داد بین المللی جلوگیری
 از معامله و اغواء نروان کیره را مورد شور قرار داده
 و عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک
 خبر آرا برای شور اول تقدیم مینماید.

رئیس - عین ماده واحده دولت قرائت میشود
 ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که
 دولت شاهنشاهی بفرار داد بین المللی راجع بجلوگیری

از معامله و اغواء نروان کیره مشتمل برده ماده که در
 ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ در ژنو منعقد شده است ملحوظ شود.
 رئیس - نه در ماده واحده نه در قراردادی که ماده
 واحده متکی بآن است و نه ماده است اعتراضی نرسیده
 است. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 تصویب شد.

**(۸- شور اول لایحه الحاق ایران بفرار داد فیلم های
 تریونی)**

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع بالحاق
 دولت ایران بفرار داد فیلم های تریونی قرائت میشود.
 خبر کمیسیون :

کمیسیون امور خارجه در جلسه سوم آذرماه
 ۱۳۱۳ لایحه نامه ۱۰۴۹۲ دولت راجع بفرار داد نسهیل
 دوران بین المللی فیلم های تریونی را با حضور آقای
 معمارین وزارت امور خارجه مورد شور قرار داده و با
 الحاق دولت شاهنشاهی بفرار داد مزبور موافقت نموده
 عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک
 خبر آرا برای شور اول تقدیم مینماید.

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت
 ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید
 که دولت شاهنشاهی بفرار داد نسهیل دوران بین المللی
 فیلم های تریونی مشتمل بر پست ماده که در ۱۱ اکتبر
 ۱۹۳۳ منعقد شده است ملحوظ شود.

رئیس - نه در ماده واحده و نه در موادی که ماده
 واحده باو تذکر میدهد اعتراضی نرسیده است آقایانیکه
 با ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام
 فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

(۹- بقیه شور لایحه تجدید نظر در قانون اوقاف)
 کفیل وزارت معارف - موضوع ماده ۷ نوزده
 اختلاف نظر آقایان نمایندگان محترم واقع شد در ضمن
 نفس توافقی حاصل شد چون دو مطلب بود در پیشنهاد
 یکی اینکه موقوفات خاصه که اجاره داده میشود کمتر
 مورد توجه وزارت معارف واقع شود باین خطر دولت هم
 توافق بوده است و در لایحه که دولت پیشنهاد کرد

تذکر شد که در موقوفات خاصه اساساً دولت دخالتی
 ندارد و این هم منطقی هم همراهش بود. چون
 موقوفات خاصه در حقیقت در حکم املاک اختصاصی است
 وقف عام که نیست ولی یک مورد دیگری بود که مورد
 توجه وزارت اوقاف بود این بود که اجاره هائی که
 راجع بموقوفات عامه است آن باید با اطلاع و تصویب
 وزارت اوقاف برسد باینجهت یکوجه حلی منظور شده است
 که پیشنهاد کرده اند و در خدمت ریاست محترم است و
 البته دولت هم موافق است.

رئیس - پیشنهادی که مابین پیشنهادات مخالف
 توافق شده است قرائت میشود.

پیشنهاد میکنیم که جزه اخیر ماده ۷ بطریق ذیل
 اصلاح شود : و همچنین است اجاره موقوفات خاصه
 که پیش از دهسال باشد. اورنگ - عراقی - دکتر
 طاهری - افسر - طباطبائی دیا - میرزائی.

رئیس - آقای مخیر همینطور است ؟
 مخیر - بلی بندهم قبول میکنم برای خاطر
 اینکه چنانچه ملاحظه فرمودید این کلمه خاصه موافقت
 شده است فقط چیزی که بنا بود پنجسال را مفید بماند
 تمدیدش دادند به دهسال بنا بر این بنده موافقم.

رئیس - آذی روسی مخالف است ؟

روسی - عرض کنم این مسائل بطور کلی نظری
 است ماباید بگذردی توجه کنیم و نگاه را بعقب تر بیندازیم
 در همین موقوفات خاصه چندین سال در پشت بلایشتر يك
 دختر و يك پسر اینها حق دارند از این هوقوقه منافی
 ببردند و در طرف این ده سال ممکن است حق آنها از بین
 برود (اورنگ - انشاء الله خیر) و بنده پنجسال را بهتر
 میدانم زیرا اگر این فید در اینجا بشود ممکن است که
 بعضی حقوق حقه کاملاً یا عملاً شود ولی در اینصورت هیچ
 اشکالی ندارد و بعد از پنجسال آدم يك مرتبه هم بملازم
 عادی ممکن است بوزارت معارف و اوقاف برود این نظر
 بود حالا شاید آقایان بهتر اطلاع داشته باشند با این نظر
 موافقت فرمایند ولی در هر صورت بنده با این قسمت مخالفم.
 مخیر - بنده خواستم از آقای روسی استدعا کنم

پس از اینکه این موضوع مطرح شده است و همه آقایان هم موافقت کرده اند باین ترتیب که ده سال باشد شما هم مخالفتی فرمائید (صحیح است)

رئیس - خوب حالا این مورد توافق آقایان را که دولت و محضر قبول کردند اصل ماده است (نمایندگان - صحیح است) آقایانیکه با ماده هفت بوضوح که توافق شده است و فرائض گردید و محضر و دولت هم قبول کرده است موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده هفتم فرائض میشود.

ماده ۸ - در مواردیکه اداره تحقیق اوقاف خائن بودن متولی را احراز نمود موقه نظری بر او خواهد گذاشت و اداره اوقاف در محاکم صالحه اقامه دعوی نموده پس از اثبات خیانت متولی برای ضم امین پاداره مدعی عمومی مراجعه مینماید که مطابق مقررات برای ضم امین اقدام شود و ممکن است در این صورت خود اداره اوقاف بتواند امین منضم معین گردد.

رئیس - آقای طهرانی.

طهرانی - در ماده هشت دارد در مواردی که اداره تحقیق اوقاف خائن بودن متولی را تا آخر - بنده اینجا فقط میخواستم بگویم و توضیحی آقای کفیل وزارت معارف فرماید يك اداره تحقیق اوقاف است در مرکز که رسیدگی باین موضوع میکند ولی این منحصر به مرکز است و يك دائره مستقیمی است که نوع این قضایا را رسیدگی میکند ولی در سایر ایالات و ولایات بجز اداره موجود نیست (بعضی از نمایندگان - هست) نیست آقا بنده که بخواهم عرض نمیکند در وقتی که احتیاج پیدا میکنند رئیس معارف و چند قریک تشکیلات خاصی میدهند و باین قضیه رسیدگی میکنند و بعد آنهم منحل میشود و اسمش گذاشته میشود دائره تحقیق و بعد هم ازین میروند و این غالباً سوء استفاده میشود از این موضوع این کار کار خوبی نیست بنده چون خودم در عمل بوده ام میدهم باحالا القات ندانند توجه داشته باشند برای اینکه در خود اداره تحقیق که رسیدگی می کنند باید تخصص داشته باشد باینست بی اطلاع از اوضاع قضایی

رئیس - آقای دکتر طاهری شما چطور
دکتر طاهری - بنده هم موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده فرمائید

شریعت زاده - این ماده حاکی از این است که اگر متولی مرتکب خیانت شده است باز ابقاء خواهد شد البته آقایان در نظر دارند که عبارات در اوقاف راجع به سمت متولی باید ریشه و هسته قوانین ما باشد هر واقعی در وقف نامه تصریح میکنند اوصاف متولی را یعنی در درجه اول میگویند باید اهل تقوی و امین باشد و وقتی که این دو صفت از او سلب شد این يك اصل کلی است که باید فرض کرد که در این صورت این موقوفه متولی ندارد و باید خود دولت اداره کند ما میگوییم برای يك آدمی که سلب اطمینان و امانت شده است یعنی حکم داده شده است که امین نیست و قبل اعتماد نیست باز هم در اوقاف عامه ذبحی است یعنی که او را دخالت داده اند این است که بنده عقیده دارم که در این مورد بخدمت بخلاف افکار معظمی که در جریان است ما موافقت کنیم که این قبیل اشخاص که بطور کلی سلب امانت از آنها شده است حق نداشته باشند مداخله کنند در کار.

رئیس - آقای آفر

آفر - علی ای حال قطع نظر از اینکه اولاً تمام موقوفات وقف نامه ندارد در تمام موقوفات هم این مطالبی را که بفرمائید تصریح ندارد ولی مسلم است که معنی متولی غالباً این است که یعنی امین ولی کی باید سلب امانت را بکند؟ حکمه و آبا چه باید بکند چندین قول است در باب متولی که از مد نظر شرعی چه باید بشود وقتی متولی که ازین میروند حاکم شرع چه باید بکند البته اینها را اقوالش را میدانید و قانون مدنی هم تصریح کرده که به متولی خائن باید ضم امین بشود وقتی که قانون مدنی تصریح دارد دیگر ما نمیتوانیم با آن قانون موافقت نکنیم حالا آمدیم سر این قانون اینکه در اینجا خائن بودن متولی را باید معین کنیم . کی باید معین

کند؟ البته محکمه عدلیه است و قضیه اینجا دو مرحله است از مد نظر قضایی همانطور که قانون بود و ملاحظه فرمودید باید اداره اوقاف بیرون در محکمه و اثبات کند آرزوی هم که اثبات کرد متولی خائن است مطابق آن تشریفات قانونی عمل خواهد شد حالا نظر بیک فاصله که در این بین داشت بنده این پیشنهاد را کردم آن فاصله چه بود آن وقتی بود که اداره تحقیق اوقاف تشخیص داد که این خائن است محکمه هم نیست که بتواند حرفش را ترتیب اثر بدهد تا وقتی که خواسته باشد این معنی را اثبات کند در محاکم عدلیه مدت طول میکشد در این فاصله چه بکنیم؟ گفتیم ما که نظارت کلیه داریم بوزارت اوقاف که باید نظارت کند در اینجا هم نظارت موقتی میکند چنانچه در اصل موضوع داشت حالا هم سوء ظن پیدا کرده یعنی بعد از تشخیص اداره تحقیق که او را خائن تشخیص داده باید دولت این را نظارت کند و بکنفر را بگمارد که در این مدت یکسال که اقامه دعوی میکند و محکمه ابتدائی و استیناف و تریز بر میگردد و استیناف که غالباً بواسطه گرفتاری زیاد و کمی محاکم سه چهار سال طول میکشد در این فاصله چه باید بکند از آن طرف ملاحظه فرموده اید غالباً متولی ها آنکه سنش بیشتر است متولی میشود غالباً این طوره است چون سنش بیشتر است و غالباً در سیری باو میرسد ممکن است وزارت اوقاف این تزلزل برایش پیدا شود که اگر او بمیرد همیشه در عدلیه گرفتار شود پس باید موقه این نظارت که يك نظارت عرفیه است بکند و يك کسی را از طرف معارف برای این متولی مقرر بگمارد تا در محاکم همانطور که آقای شریعت زاده فرمودند البته وقتی که در محل های قانونی خودش در محکمه عدلیه عدم امانت و خیانتش ثابت شد ضم امین میشود لیکن تا وقتی که این مطالب ثابت بشود در فاصله چه باید بکند از این جهت گفتیم که در این قسمت نظارت داشته باشد.

رئیس - آقایانیکه با ماده هشت موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده ۹

نباشند اگر بی اطلاع باشند نمیتوانند رسیدگی کنند و تشخیص خائن و غیر خائن را بدهند این بود که گاهی يك سوء استفاده های از این قضایا میشود این است که بنده خواستم آقای کفیل توضیح فرمائید که برای این قسمت چه ترتیبی در نظر گرفته اند آیا ممکن است در ایالات و ولایات بعضی جاها يك دائره تحقیق اوقاف رسمی در نظر بگیرند و اگر بخواهند بتوانند بکششخصی در این موضوع بدهند تمام ولایات را مینویسد به اداره تحقیق مراجعه کنند و این خیلی مشکل است این را در نظر گرفته اند که در سایر جاها هم يك اداره تحقیق تشکیل شود که بتواند به آنجا مراجعه کنند و تشخیص بدهند.

کفیل وزارت معارف - نظر آقای طهرانی تأمین شده است در تشکیلات وزارت معارف در نظر گرفته شده است که ادارات تحقیق اوقاف در نقاط مهمه که صلاح است تاسیس بشود که رفع حوائج اشخاص بشود.

(کافی است)

شریعت زاده - بنده مخالفم

رئیس - مخالفید با کفایت مذاکرات؟

شریعت زاده - عرض کنم این قسمت وظیفه است و البته اگر وظیفه را در وقتاً منتقاً انجام بدهند اشکالی نیست بنظر بنده این ماده یکی از مواد مهمی است که تصویب این ماده مخالف اصول اساسی است که دولت فعلی در اداره امور مملکتی دارد زیرا که مخالف اصل کلی است يك کسیکه سلب امانت از او شده است یعنی متولی خائن باز به آن سمت ابقاء میشود و بنده در این باب يك نظریاتی داشتم که میخواستم عرض کنم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم (نمایندگان - فرمائید)

رئیس - يك قدری تا مل فرمائید عرض کنم که نوبه ها را اگر باید محفوظ نگاه داریم اشخاص هم زیاد باشند برای مذاکره باز باید بفرمایم آقای اورنگ نوبه ثان را میدهند به آقا؟
اورنگ - بل

قرائت میشود :

ماده ۹ - حق التولیه موقوفاتی که مستقلاً وزارت اوقاف اداره مینماید مطابق وقتنامه خواهد بود و در صورت عدم وقتنامه یکاً عشر از عایدات خالص دریافت میدارد و برای نظارت در سایر موقوفات عامه وزارت اوقاف به عشر از عواید خالص دریافت میدارد .

رئیس - آقای دیبا .

جایگاه مالی دیبا - در این ماده با حق تولیت بنده مخالفتی ندارم مطابق وقتنامه اگر وزارت اوقاف حق التولیه دارد باید بگیرد ولی راجع بحق التولیه که نیم عشر باشد البته آقایان تصدیق مفرمانند بگفتن آنکه که بگوتی آمده است در مجلس مطرح شد و از طرف مجلس حقیقه آن عنوان برداشته شده و از میان رفته بچنداً آنرا آوردن تصویب کردن صحیح نیست مسئله نیم عشر گرفتن از اوقاف بگوتی معمول بود نظرم می آید بگوتی ندیکه از دوره های مجلس وقتی بود چه مطرح بود مخصوصاً این قضیه در مجلس مطرح شد و در اطراف آن مذاکرات زیاد شد و بالاخره حذف شد آن مسئله نیم عشر دولت البته نظارت دارد در تمام قضایای مملکتی و ممکن است يك موقوفه پیدا شود که هیچ بجل نداشته باشد که این نیم عشر را بدهد بدولت لهذا بنده این را معتقد نیستم در تبصره دوم هم راجع بحق التولیه يك مصارفی معین شده است و لسی راجع به جدول التولیه که اینجا پیش بینی شده هیچ مصرفی معین نشده اگر وزارت اوقاف بر حسب وقتنامه يكاً حق التولیه بگیرد مصرفش کجا است معلوم نیست اینجا فقط در تبصره دوم حق التولیه معین شده است عقیده بنده این است که راجع باین حق التولیه موقوفات بجدول التولیه هم مصرفش معین شود .

رئیس - آقای اورنگ .

اورنگ - عرض کنم این بیانی که آقای دیبا فرمودند که نیم عشر راجع بحق التولیه که در این ماده قید شده وزارت اوقاف بگیرد صحیح و موافق ندانند از چه نقطه نظر جواب ندانند برای خاطر اینکه فرض فرمودند که يك موقوفه ایست که دولت درش نظارت میکند بهار می

دارد که عواید آن موقوفه باید صرف آن شود آنگاه حق التولیه که نیم عشر است از او برداشته اند و بقدر نیم عشر از عواید موقوفه صرف در مصرفش میشود درست است بفرمایید امر دائر است باینکه من هر دو نوع آنرا میخواهم بخورم آقا بفرمایند نظارت میکنم پنجقران را بگیرم نه تومان و پنجقران را بصرفش برسد من بگیرم که این پنجقران خلاف شرع است اما دو تومانی را من میخواهم بخورم خلاف شرع نیست پس تحمل این مقدار بقول آقا از ضرر برای خاطر حفظ این دولت کلی این موافق هر عقل و سلامت هر جنبه ای است . وزارت بهارف و اوقاف برای این نظارت تنها با نظر بودن که نمیتواند نظارت کند يك افزاری میخواهد . این کار اقرار خودش را لازم دارد میتواند وزارت بهارف اعمال این نظارت را بکند این اقرار و اجزاء و دفتر البته مستلزم يك مخارجی است و بسیار هم عادلانه گرفته است این چاراً اگر عملاً موقوفات را هم آنچه ای که عشر بگیرند همین مقدار بتوانند مصرف کنند و این مقدار حق بگیرند برای نظارت ندانم که به صرف خودش برسد بگویی پنجقران در دو تومان آقا موافقت بفرمایید که بقیه اش به دفعه خودش حقیقه صرف میشود .

رئیس - پیشنهادی از آقای چهشیدی رسیده است قرائت میشود

در تبصره دوم (۹) بعد از عبارت مخارج جدول پیشنهاد میکنم جمله ذیل اضافه شود که نباید از حدود پنج کل عایدات بزور تجاوز کند

رئیس - بفرمایید

چهشیدی - عرض کنم در لایحه دولت اساساً این عبارت نبود بعد از مخارج و جدول در تبصره دولت نبود گویند کیسیون و کلاً از طرف دولت پیشنهاد خرج کرده و الا در تبصره پیشنهادی دولت نبود چیزی که وزارت بهارف و اوقاف در نظر گرفته است این است که این عواید را به بهارف خوبی که از قبیل تعمیر ابنیه و آثار تاریخی و برکت مدارس و ابنیه قدیمه و اما کن و آثار

مقدسه برساند برای همچو بهار می در نظر گرفته است این را دیگر بفرمایند به صرف هیز و سندی زیاد کردن برسانند چیز خوبی نیست یعنی از این عایدی که بنده قطع دارم چیز مهمی نخواهد شد و باید واقفاً بيك همچو بهار می برسد انوقت ما برای این هیز و سندی و پخت هیز نشین درست بکنیم این صحیح نیست بنده خودم در وزارت سران دارم الان اداره بهارف سازی یا بابل هم رئیس بهارف دارد هم دفتر دارد هم هفتی خوب اینکار را الان میکنند و از بودجه بهارف هم مخارج آن داده میشود حالا این پول را بگیریم و يك مقدار از این عایدات که باید بيك بهارف مهمی برسد این را خرج هیز و سندی کنیم چیز خوبی نیست باین جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام که لا اقل از صدی پنج خرج تجاوز نکند حالا که کیسیون این پیشنهاد را کرده و دولت هم قبول کرده لا اقل از صدی پنج تجاوز نکند

رئیس - آقای روحی

روحی بنده کاملاً برخلاف نظر آقا هستم برای اینکه یکمیت این نیم عشر را بگیرند و در ملک هم معمول بود و خاطر می آید در دوره پنجم لاهور هم آمد چطور شد ما میدیدیم رؤسای بهارف در ولایات بکارهای بهار می میپرداختند و نه بکارهای هنری و صنعتی مدارس و تیم و قوت آنها صرف میشد در قسمت اوقاف (چهشیدی - هیچ فرق نمیکند) گفتیم باید اداره اوقاف از اداره بهارف مجزی باشد رؤسای بهارف آلوده بکارهای وقت نشوند اگر شدند شما باید نتیجه بخواهید به وزارت ...

چهشیدی - پس این عایدی تماماً باین مصرف برسد

روحی - اینطور هم نیست آقا این قدر نظرتان را کوچک نکنید و کاری نکنند که رؤسای بهارف در کار وقت دخلت کنند و دست و پا بزنند و این را بفرمایند .

رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای چهشیدی را قبول توجه میدهند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) قبل توجه شد . ماده دوم قرائت میشود .

ماده ۱۰ - نظامنامه راجع بهار وزارت اوقاف تقابله

اداره آن یا وزارت بهارف و اوقاف است و طرز اجرای نظارت در موقوفات بیکه وزارت بزورده نظارت دارد نظامنامه همین بهارف موقوفاتی که محمول به صرف و با مصرف آن هطلق برات و با صرف متاع آن در مصرفی که واقف قرارداد داده متعذر است و همچنین نظامنامه اجرای مواد این قانون را باید وزارت اوقاف تنظیم کرده پس از تصویب هیئت دولت به موقع اجرا بگذارند .

رئیس - آقای دیبا .

جایگاه مالی دیبا - البته در اوانج اجزاء این قبیل نظامنامه ها را نباید داد البته يك قانونی که از تصویب مجلس بگذرد دولت برای اجرای آن مکلف است يك نظامنامه در حدود همان قانون تهیه و اجرا کند ولی حقیقه با وجود این ماده ما مواد سابق را احتیاج نداریم اگر وزارت بهارف بصورت ماده واحده پیشنهاد میکرد کافی بود برای تمام مواد این قانون این است که بنده با این ترتیب هیچ موافقت ندارم و عقیده ام این است که فقط نظامنامه این قانون را وزارت بهارف تنظیم و پس از تصویب دولت به موقع اجرا گذارد و نظامنامه در حدود این قانون خواهد بود که اختیار نظامنامه را که هر قسم بخواهند در نظامنامه عوض آنگاه عمل کنند

رئیس - آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - بنده با يك قسمت از این ماده موافق هستم و با يك قسمت مخالف فعلاً راجع بقسمت موافقت توضیحات بدهم اصولاً برای اجرای عرف قانونی قوه مجریه باید نظامنامه بنویسد و با این توضیح نظامنامه در لزومش نمیشود زود بدهی کرد اما مطالبی هم که در اینجا نوشته شده است راجع به موقوفات محمول به صرف و امان آن حاصل مطلب هم نمیشود مخالفت کرد یعنی یکی از مسائلی مؤثر و نقطه حساس این قانون است بنابر این با نظر آقا از این لحاظ میشود موافقت کرد که آن قسمت های دیگر در ماده دیگر نوشته شود و الا بطور کلی حاصل نظامنامه نمیشود مخالفت کرد .

رئیس - بکنند از اتفاقاً یاد آوری کرده است بلاوجه رأی بگیریم ولی نمیشود برای اینکه در ماده پنجم

قانون

تصویب نصد و پنجاه هزار ریال اعتبار اضافی

ماده واحده - مجلس شورای ملی دو فقره اعتبار اضافی بمبلغ نصد و پنجاه هزار ریال بشرح ذیل تصویب مینماید که از محل سرته جوئیهای بودجه ۱۳۱۳ مملکتی با اعتبارات موجوده علاوه گردد :

- ۱ - بر اعتبار مندرج در جزء ۱۱ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۵۵۰۰۰۰۰ ریال
- ۲ - بر اعتبار مندرج در جزء ۲ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۴۰۰۰۰۰۰ ریال

جمع ۹۵۰۰۰۰۰ ریال

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه اول دیماه یکهزار و سیصد و سیزده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

وئی پیشنهاد قابل توجه شد بکمسیون بیرون (صحیح است) اینجا ماده های الحاقیه و ماده های اضافی هم هست و لایحه رفت بکمسیون و بالخصوص اشتب هم نمی توانیم کمسیون را دائر کنیم و بخصوص الزام هست که وقتی ماده قابل توجه شد در همان جلسه بآن ماده نیشود رای گرفت بنابر این اگر موافقت بفرماید بقیه قانون بکمسیون ارجاع شود. آقای عراقی.

عراقی - البته وضعیت نظامها را آقای رئیس بهتر میدانند از ما ولی هر آینه اگر این پیشنهادی را که آقای جمشیدی کردند آقای کفیل و آقای مخیر قبول بفرمایند گمان میکنم اشکال نداشته باشد حالا البته طریق نظامهاش را آقای رئیس بهتر میدانند.

رئیس - عرض کنم با وجودیکه دفعه دخل مندرج کردم که اگر چیزی قابل توجه شد رای فنی بآن چیز قابل توجه شده در آن جلسه بخصوص بیرون است و ما التزام داریم که این قانون را برای جلسه بعد بگذاریم اجازه بفرماید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

[۱۰ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - بنده نزدیک دارم جلسه آینده را چوقت تعیین کنم برای اینکه آقای کفیل معارف مسافرت میخواهند بروند و میخواهند قانون هم تمام شود و از طرفی احیاء هم در پیش است بالاخره هر طور یک مجلس صلاح میدانند.

الر - شب سه شنبه.

روحی - شب چهارشنبه.

دشتی - بعد از احیاء ها

رئیس - بنده عقیده خودم را عرض کنم چون بنای مجلس بر این است که اگر امری در معرض باشد چاره نیست با هر صرف وقتی که لازم است آن کار را عبور بدهیم و اگر ماهم جلسات طولانی قائل شده ایم برای این بوده است و حالا وقتی يك مسئول دولت میگوید من باین قانون احتیاج دارم تکلیف ماست این نظر را قبول کنیم (صحیح است) - جلسه آینده شب سه شنبه ساعت هفت

(مجلس یازده ساعت ولیم بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تصویب نهصد و پنجاه هزار ریال اعتبار اضافی

ماده واحده - مجلس شورای ملی دو فقره اعتبار اضافی بمبلغ نهصد و پنجاه هزار ریال بشرح ذیل تصویب مینماید که از محل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۳ مملکتی با اعتبارات موجوده علاوه گردد :

- ۱ - بر اعتبار مندرج در جزء ۱۱ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۵۰۰۰۰۰ ریال
- ۲ - بر اعتبار مندرج در جزء ۲ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی اضافه میشود ۴۰۰۰۰۰ ریال

جمع ۹۰۰۰۰۰ ریال

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه اول دیماه یکهزار و سیصد و یزده شمس بمجلس تصویب و پس از تصویب در مجلس شورای ملی - دادگر شورای ملی رسید